



در بخش‌های گذشته مروری شد بر شأن نزول آن بخش از سوره کهف که به ذوالقرنین می‌پردازد و مطالب مختلفی از متون روایی و تفسیری ذکر شد که او نه پیامبر بوده فرشته، بلکه بافرشته همسخن می‌شد و ضمناً پادشاه بود. در کتاب دانیال نبی از مجموعه کتاب مقدس و مشخصاً رؤیای حضرت دانیال^(ع) از موجودی یادو شاخ (در کتاب مقدس عربی: ذی القرنین) یاد می‌شود که فرشته‌ای اورانماد پادشاه ماد و فارس (ایران) معرفی می‌کند که همان کوروش است. آنگاه به سراغ مواردی رفتیم که در کتاب مقدس به کوروش اختصاص دارد؛ از جمله کتاب اشعیا (نبی) (ع).

ذوالقرنین یا کوروش در متون مذهبی

حمید یزدان پرست

بخش هفتم

نمود. (باب ۴۵، ۱۳-۱۴).

من که خداوند هستم، به راستی سخن می‌گویم؛ ای قومهایی که از دست کوروش می‌گریزید، جمع شوید و نزدیک آید و به سخنان من گوش دهید. چه نادانند آنانی که بت‌های چوبی را با خود حمل می‌کنند و نزد خدایانی که نمی‌توانند نجاتشان دهند، دعا می‌کنند! غیر از من چه کسی گفته که این چیزها در مورد کوروش عملی خواهد شد؟ غیر از من خدایی نیست. من خدای عادل و نجات دهنده هستم و دیگری نیست. (باب ۴۵، ۲۰).

* تنها من خدا هستم و کسی دیگر مانند من نیست که بتواند به شما بگوید در آینده چه رخ خواهد داد. آنچه بگویم، واقع خواهد شد و هر چه اراده کنم، به انجام خواهد رسید. مردی را از مشرق، از آن سرزمین دور دست فرا می‌خوانم. او مانند پرند شکاری فرود خواهد آمد و آنچه را اراده نموده‌ام، انجام خواهد داد. آنچه گفته‌ام، واقع خواهد شد. ای مردم دیرباور که فکر می‌کنید آزادی شما

یاد کرده‌ای کتاب اشعیا از کوروش

هر چه توصیفات حضرت دانیال^(ع) رمز گونه است، بیانات حضرت اشعیا^(ع) واضح و بی‌پرده است:

* چه کسی این مرد^{۲۳} را از مشرق آورده است که هر جاقدم می‌گذارد، آنجا را فتح می‌کند؟ چه کسی او را بر قومها و پادشاهان پیروز گردانیده است؟ شمشیر او سپاهیان آنان را مثل غبار به زمین می‌اندازد و کمانش آنان را چون پر کاه پراکنده می‌کند. آنان را تا جاهای دور که قبل از آن پایش به آنجا نرسیده بود، تعقیب می‌کند و به سلامت پیش می‌رود. چه کسی این کارها را کرده است؟ مگر نه من که خداوند ازلی و ابدی هستم؟ (باب ۴۱، ۴-۱).

* من مردی^{۲۴} را از مشرق برگزیده‌ام و او را از شمال به جنگ قومها خواهم فرستاد. او نام مرا خواهد خواند و من او را بر پادشاهان مسلط خواهم ساخت. مثل کوزه‌گری که گل را گدمل می‌کند، او نیز آنها را پیمال خواهد کرد. آیا کسی تا به حال این را پیشگویی کرده است؟ (باب ۴۱، ۲۵-۲۶).

* خداوند می‌فرماید: «این است خدمتگزار من که او را تقویت می‌کنم. این است برگزیده‌ی من که از او خشنودم. او را از روحم پر می‌سازم تا عدالت و انصاف را برای قومهای جهان به ارمغان آورد. او آرام است و در کوچه‌ها فریاد نخواهد کرد و کسی صدایش را نخواهد شنید. نی‌خردشده را نخواهد شکست و شعله ضعیف را خاموش نخواهد کرد. او عدل و انصاف واقعی را به اجرا در خواهد آورد. دلسرد و نومید نخواهد شد و عدالت را بر زمین استوار خواهد ساخت. مردم سرزمین‌های دور دست منتظرند تا تعالیم او را بشنوند.»

خداوند، خدایی که آسمان‌ها را آفرید و گسترنده زمین و هر چه را که در آن است به وجود آورد، به خدمتگزار خود [کوروش] چنین می‌گوید: «من که خداوند هستم، تو را خوانده‌ام و به تو قدرت داده‌ام تا عدالت را برقرار سازی. توسط تو با تمام قومهای جهان عهد می‌بندم و به وسیله تو به مردم دنیا نور می‌بخشم. تو چشمان کوران را باز خواهی کرد و آنانی را که در زندان‌های تاریک اسیرند، آزاد خواهی ساخت.»^{۲۶} من بپوه (خداوند) هستم و نام من همین است. جلال خود را به کسی نمی‌دهم و بت‌ها را شریک خویش نمی‌سازم. (باب ۴۴، ۹-۱۰). اکنون نیز درباره کوروش می‌گویم: «اور هبری است که من برگزیده‌ام و خواست مرا انجام خواهد داد.»^{۲۷} او اورشلیم را بازسازی خواهد کرد و خانه مرا دوباره بنیاد خواهد نهاد. (باب ۴۴، ۲۸).

* خداوند به «مسیح خویش» یعنی به کوروش - که دست راست او را گرفته تا به حضور وی امتها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود - چنین می‌گوید که: «من پیش روی تو خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم برید و گنجهای ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من بپوه که تو را به اسمت خوانده‌ام، خدای اسرائیل می‌باشم؛ به خاطر بنده خود یعقوب و برگزیده خدایش اسرائیل.^{۲۸} هنگامی که مرا شناختی، تو را به اسمت خواندم و ملقب ساختم. من بپوه هستم و غیر از من خدایی نی. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا شناختی. تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوازی من احدی نیست. من بپوه هستم و دیگری نی؛ پدیدآورنده‌ی نور و آفریننده‌ی ظلمت...» (باب ۴۵، ۷-۱).

من او را به عدالت برانگیختم و تمامی راهپایش را راست خواهم ساخت. شهر مرا بنا کرده، اسیران مرا آزاد خواهد نمود؛ اما نه برای قیمت و نه برای هدیه.^{۲۹} خداوند چنین می‌گوید: حاصل مصر و تجارت حبشه و اهل سبا نزد تو عبور نموده، از آن تو خواهند بود و تابع تو شده، در نجیها خواهند آمد و پیش تو خم شده و نزد تو التماس خواهند

اما آیا از میان آیات قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم السلام شواهد دیگری وجود دارد که بر مطابقت شخصیت کوروش با ذوالقرنین دلالت کند؟ نگارنده در این مورد به شهادی گویاتر از چند آیه در اوایل سوره مبارکه اسراء دسترس ندارد. در این سوره می‌خوانیم:

«وَقَضِیْنَا لِی بَنی إِسْرَائِیْلَ فِی الْکِتَابِ لُتْفُسِدْنَ فِی الْاَرْضِ مَرْتِبِنَ وَ لَتَعْلَنَ عَلَیْکُمْ اِبْرَہِیْمَ: دَر اَن کِتَاب [=تورات] بَنِی إِسْرَائِیْلَ خَبْر دَادِیْمَ کِه: قَطْعَا دَر بَار دَر زَمِیْن تِبْهَکَارِیِ خَوَهِیْد کَر دَو بَه سَر کَشِی بَسِیَار بَز رِگِی بَر خَوَهِیْد خَاسْت. فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ اَوْلَآئِکُمْ عِبَادًا لَنَا اَوَّلِیْ یَاسْ شَدِیْدَ فِجَآءِ سَآءِ اِخْلَالَ الدِّیَارِ وَ کَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا: پَس اَنگَآه کِه وَعْدَه [تحقق] نَخَسْتِیْن اَن دَر فَرَا سَرَسِد، [گروهی] اَز بَنَدگَان خُود رَا کِه سَخْت جَنگَاوَرَنَد، بَر شَمَا می‌گَمَارِیْم، تَا مِیَان خَاَنَه اِیْتَان [بِه جَسْتَجُو دَر اَیْنَسِد، وَ اِیْن تَهْدِیْد تَحْقِیقِ یَافْتَنِی اَسْت. تَم دَر دِنَا لَکُم اَلکَرَه عَلَیْکُمْ وَ اَمْد دِنَا کَم بَا مَآوَال وَ بَیْن وَ جَعَلْنَا کَم اَکْثَر نَفِیْرًا: پَس [اَز چَنْدِی] دُوبَارَه



شما را بر آنان چیره می‌کنیم و به اموال و پسران باری تان می‌دهیم و [تعداد] نفرت شما را بیشتر می‌گردانیم. اِن اَحْسَبْتُمْ اَحْسَبْتُمْ لَانَفْسِکُمْ وَ اِن اَسْأَلْتُمْ فَلَہَا: اِکْر نِیْکِی کَنِیْد، بَه خُود نِیْکِی کَر دَآیْد، وَ اِکْر بَدِی کَنِیْد، بَه خُود [بَد نَمُودَه اِیْد]. فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَہِ لَیْسَ وَاوَا وَ جُوهَکُمْ وَ لَیْد خُلُوَا الْمَسْجِدَ کَمَا دَخَلُوْهُ اَوْلَ مَرَّہٍ وَ لَیْتَبَّرُوا مَا عَلُوَا تَتَبَّرَا: وَ چُون تَهْدِیْد دِیْکَر فَرَا رَسَد، [دَشْمَانَتَان تَبِیْأِنْد] تَا شَمَا رَا اَنْدُوْهَگِیْن کَنَنْدُو دَر اَن مَعْبَد رَآیْنْد، چَنان کِه بَار اَوْل دَاخِل شَدَنْد وَ بَر هَر چَه دَسْت یَافْتَنْد، یَکَسَرَه نَابُود [ش] سَازَنْد. عَسَی رَیْکُمْ اَن یَر حَمْکُمْ وَ اَن عَدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جِہَنَّمَ لَکَافِرِیْن حَصِیْرًا: اَمِیْد اَسْت کِه پَرُور دِگَار تَان شَمَا رَا رَحْمَت کَنْد، و [لی] اِکْر [بِه گَنَآه] بَا ز گَر دِیْد، [مَانِیْز بَه کِیْفَر شَمَا] بَا ز می گَر دِیْم وَ دُوزَخ رَا بَرای کَافِرَان زَنْدَان قَرَار دَادِیْم. (اسراء، ۸۴).

* فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَہِ جَنَّا بَکُمْ لَیْفَا: چُون دُومِیْن وَعْدَه فَرَا رَسَد، شَمَا رَا هَمَه بَا هَم گَر دِیْم اَوْرِیْم. (اسراء، ۱۰۴).

در این آیات چند نکته مختلف وجود دارد که مفسران تعبیرات متعددی درباره‌شان به کار برده‌اند:

(الف) **دو بار تباہکاری**، از ابن عباس و ابن مسعود و ابن زید روایت شده که: تباہکاری نخست، قتل حضرت زکریا^(ع) است و تباہکاری دوم کشتن فرزندش حضرت یحیی^(ع) که در نتیجه فساد نخست، «سَلَطَ اللهُ عَلَیْهِمْ سَابُورًا اَلْاِکْتِفَ مَلْکَا مِنْ مَلُوکِ فَارَس...: خُود اَنْدَ شَاپُور ذُو الْاِکْتِفَ، یَکِی اَز پادشاهان ایران، را بر ایشان مسلط کرد و در نتیجه فساد دوم، خداوند بختنصر را بر ایشان گماشت. این تفسیر در مجمع البیان (ج ۶ ص ۶۱۲)، زادالمسیر (ج ۳، ص ۱۱) و الجدید فی تفسیر القرآن (ج ۴، ص ۲۷۳) آمده است، و البته از لحاظ تاریخی، خدشه‌دار است؛ زیرا شاپور ساسانی (حکومت: ۳۰۹-۳۷۹ م) سالیان بسیاری پس از بختنصر (حکومت: ۶۰۵-۵۶۲ پ.م) روی کار آمد.

در تفسیر نمونه این حدیث نبوی به نقل از تفسیر طبری آمده که: مراد از تباہکاری اول، قتل زکریا^(ع) و گروهی دیگر از پیامبران است و منظور از وعده نخستین، وعده انتقام الهی از بنی اسرائیل به دست بختنصر می‌باشد و مراد از فساد دوم شورش است که پس از آزادی به دست یکی از سلاطین فارس مرتکب شدند. (ج ۱۲، ص ۲۹) پیش از آن هم می‌آورد: حمله بختنصر قدرت و شوکت آنها را به کلی در هم کوبید. این تا زمان کوروش ادامه داشت. (همان، ص ۲۸).

در تفسیر مقاتل بن سلیمان (ج ۲، ص ۵۲۲) می‌خوانیم: «وَقَضِیْنَا لِی بَنی إِسْرَائِیْلَ... یعنی کشتار مردم و اسارت فرزندانشان و ویرانی بیت المقدس و سوزاندن تورات... سپس خداوند آنها را به دست «کروس الفارس» [در پاورقی: «کروس»] بقال: «کروس» در سست: «کوروش» یا «فورش» [نجات بخشید و آنان را به بیت المقدس بازگرداند. «همین مضمون را سورا بادی در تفسیرش (ج ۲، ص ۱۲۵۵) چنین آورده: «بختنصر همی برخواست به کشتن بنی اسرائیل... چون بنی اسرائیل را مقهور کرد، قصد بیت المقدس کرد و خزاین سلیمان در آنجا بود، همه را بر گرفت. آخر کورش همدانی پدید آمد، بنی اسرائیل را نصرت کرد. خدای عزوجل او را بر بختنصر دست داد.» در تاج التراجم (ج ۳، ص ۱۲۵۲) به جای کورش یا کروس، «خردوس الفارسی» آمده؛ در اینجا «همدانی» به معنی «مادی» (از قوم ماد) است؛ چون مادر کوروش از این قوم بود.

در کتاب زبده التفاسیر (ج ۴، ص ۱۳) از چیرگی پارسیان در بار دوم و جنگیدن یکی از پادشاهان ملوک الطوائف (اشکانی) به نام جودرز (گودرز) خبر داده است؛ اما در کنز الدقائق و بحر الغرائب (ج ۷، ص ۳۵۸) می‌خوانیم: «گفته شده که خداوند در قلب بهمن بن اسفندیار محبتی نسبت به یهودانداخت، پس اسیرانشان را به شام برگرداند.» همین مطلب در تفسیر المعین (ج ۲، ص ۶۹۷) و تفسیر منهج الصادقین (ج ۵، ص ۲۵۱) آمده اس.

ادامه دارد

پی نوشت‌ها:

۲۳. پاورقی ترجمه جدید: منظور کوروش است. نگاه کنید به اشعیا ۴۵: ۱: «خداوند کوروش را برگزیده و به او توانایی بخشیده تا پادشاه شود.» // ۲۵. پاورقی ترجمه جدید: منظور کوروش است. // ۲۶. در همین باب از بنی اسرائیل به عنوان قومی کور و کربادی می‌شود: «خداوند به قوم خود اسرائیل می‌گوید: ای کران، بشنوید و ای کوران، ببینید... شما قومی کور و کرسیتید.» (آیات ۱۸-۲۰) و در باب ۴۳، آیه اول می‌گوید: «ای بنی اسرائیل، خداوند که تو را آفریده است، اینک چنین می‌فرماید: مترس؛ زیرا من بهای آزادی تو را پرداخته‌ام.» // ۲۷. ترجمه قدیم: او شبان من است و تمامی مشیت مرا به اتمام خواهد رسانید. // ۲۸. اسرائیل، لقب حضرت یعقوب^(ع) است و از این رو فرزندانش، بنی اسرائیل نامیده شده‌اند. // ۲۹. ترجمه جدید: اکنون نیز کوروش را برانگیخته‌ام تا به هدف عادلانه من جامه عمل بپوشاند... او بی آنکه انتظار پادشاه داشته باشد، شهر مرا بازسازی خواهد کرد و قوم اسیر مرا آزاد خواهد ساخت. // ۳۰. پاورقی ترجمه جدید: منظور کوروش است.

روایت اسلامی

آنچه در این بخش آمد، مبتنی بر آیات عهد عتیق بود؛